

فوق الذکر خود استخراج کرده است .  
 ادیسی علاوه بر آن کتابی بنام « روض الانس و نزهة النفس »  
 هم تألیف کرده و این کتاب جامع تر و مفصل تر از نزهة المشتاق  
 است ، لیکن کتاب دومی را فعلا در جائی سراغ نداریم که موجود باشد  
 فقط میگویند که یک نسخه از آن در کتابخانه پاریس وجود دارد  
 اهمیت ادیسی چنان که گفتیم بیشتر از این بوده که واسطه  
 رسانیدن این علم به اروپا بوده و شاید تنها واسطه اتصال این علم از شرق  
 بغرب محسوب میشود  
 ( بقیه دارد )

### یک صفحه از تاریخ

## دراة استقلال

۶۱۷  
 فنیقیها در ایام شوکت و اقتدار شهر «کارتاژ» را بنام شهر جدید در  
 قرن نهم قبل از میلاد ( ۸۴۵ ق . م ) در ساحل افریقای شمالی نزدیکی  
 شهر تونس تأسیس نمودند ، و سپس در اطراف آن مستعمرة قشنگ و  
 زیبائی تشکیل دادند که متدرجاً دارای خیلی اهمیت گردیده و بعد از  
 آنکه شوکت فنیقیة مشرق رو بزوال گذارد مستعمرة مزبور در عظمت  
 تجاری جانشین دولت شرقی آنها گردید تا جائی که بزرگتر دولت  
 تجاری دریای متوسط بشمار آمد «کارتاژ» ها از حیث تمول سرشار و  
 قوای دریائی خیلی از رم پیش افتادند و لذا اسطول آنها دریای متوسط  
 را زیر پا کشیده از جهت مغرب از بوغاز جبل طارق و از جانب شرق  
 تا صقلیه در زیر رایت خویش در آوردند و بیشتر تونس و الجزایر و  
 مراکش و قسمتی از سواحل اسپانی را متصرف گردیدند همانطور جزایر  
 صقلیه و سر دینا و کورسیکا را مالک شدند . دولت رم همیکه بخيال  
 جهانگیری و توسعه مملکت خویش افتاد دید که «کارتاژ» بر او سبقت  
 گرفته و به تقاطعی که او چشم دوخته دست انداخته است

بدیهی است که در اینجا مصلحت دو دولت با هم اصطکاک مینماید زیرا دولت رم بحکم موقع جغرافیائی، خود را مالک دریای متوسط می دانست و « کارتاژ » هم به تمول بی پایان و قوای بی نظیر دریائی خویش نازیده خود را بتصرف آن دریا و بسط سیادت بر آن اولی و احق مینداشت این رقابت موجب جنگهای سخت و خونین میان این دو حریف گردیده که به جنگهای - بونیه - یا بونیه - یا فنیقیه معروفند . و جنگهای مزبور در سه دفعه متناوب بوقوع پیوست، جنگ اول از سال ۲۴۱ تا ۲۶۴ قبل از مسیح دوام داشت ولی باعث و محرك این جنگ که مقدمه جنگهای هولناک دیگر است رومیها شدند . چه دولت رم شهر « مسنی » را که در جزیره « صقلیه » واقع و جزء مستملکات « کارتاژ » بود متصرف گردیده و بر اثر آن جنگ در گرفت . دولت رم در آن وقت دارای کشتیهای مهمی نبود ولی همینکه اهمیت آنرا در جنگ دریائی دریافت در صدد تهیه کشتی بر آمده و در ظرف دو ماه صد و بیست کشتی بمیدان جنگ حاضر نمود و در نزدیکی « میلی » روی دریا جنگ خونینی بین طرفین در گرفت که منجر به شکست « کارتاژ » و تصرف کامل صقلیه از جانب دولت رم گردید پس از آن مدتی جنگ بین طرفین دوام داشت که گاهی نسیم فتح به پرچم « کارتاژ » میوزید و زمانی رم شاهد فتح و ظفر در آغوش میگرفت . تا آنکه در سال ۱۴۱ قبل از مسیح رم بر « کارتاژ » غلبه یافته و کار بصلح انجامیده رسماً صقلیه جز مستملکات رم گردید

### ﴿ جنگ دوم ﴾

بعد از جنگ اولی قشون « کارتاژ » انتظام خود را از دست داده شروع بهرج و مرج و تعدی نمودند و نزدیک بود که اختلال امر قشون بکلی کار آنمملکت را بسازد که ناگاه در این میان جوان مردی « همکار » نام قد مردا نگی علم نموده فتنه های داخلی را فرو نشانده قشون را دو باره سر و صورتی داد و بر بیشتر کشور اسپانی مستولی شده در صدد انتقام

از رم که در ایام انقلاب داخلی «گارتاژ» بر جزائر «سردینا» و «کورسیکا» مستولی شده بودند بر آمد. اینها جزء موجبات تجدید جنگ بودند ولی چیزی که زود تر موجب انفجاران گردید این بود که «گارتاژ» ها شهر «ساغانوم» که از شهرهای اسپانی و تحت الحمايه رم بود محاصره نمودند. در این جنگ «انیبال» معروف که از بزرگترین فرماندهانی است که تاریخ آنها را یاد نموده قیادت لشکر ((گارتاژ)) را عهده گرفته بود. «انیبال» از طفولیت بدشمنی رم کمر بست و در ایام کودکی سوگند یاد کرده بود که مادام الحیات رم را دشمن بدارد و باین واسطه یک وطن پرست خیلی افراطی بار آمد که در تمام مدت عمر پیش از تمام هموطنانش در راه ترقی و استقلال «گارتاژ» فدا کاری نمود.

خلاصه رومیها اسطول خود را برای حمله به اسپانی که میدان جنگ تصور میکردند آماده نمودند که ناگاه «انیبال» مانند بلای ناگهانی بایک قشوق خیلی شجاع و جان سخت بقلب مملکت ایتالی حمله نمود «انیبال» از کوه های «برانسی» و مملکت «گل» - فرانسه - گذشته از کوه های مرتفع ((آپ)) بالا رفت نه ارتفاع شامخ آن کوه و نه سرمای زمهریر مانند آن هیچ کدام نتوانستند جلو عزم و اراده این فرمانده توانا را بگیرند

اگر انسان فقط سختی راه و وسائل تقلیه آنروز را بخاطر آورد بخوبی میتواند بزحماتی که انیبال و همراهانش در این راه متحمل گردیدند پی برد. بالاخره خود را بدشت همواری رسانیده و در کنار رود «پو» در دو جنگ سخت کاملاً قوای رم را در هر شکسته برای تصرف شهر رم ایلغار نموده مجددا در کنار دریاچه «ترازمین» در سال ۲۱۷ قبل از میلاد با قشون رم مصاف داده یکبار دیگر آنها را مغلوب نمود و بواسطه استیلاء بر نقاط مجاور شهر رم خود را مستعد و آماد حمله بر آن شهر نمود. ولی رمهائی شجاع و وطن دوست با این همه شکست دست از دفاع برنداشته تا آخرین لحظه برای حفظ پای تخت

و شهر تاریخی خویش جان فشانی نمودند چنان که یکبار دیگر جلو  
 اورا گرفته و در سال ۲۱۶ قبل از میلاد در واقعه «کان» خود را  
 بقشون اوزدند ولی در این واقعه نیز طوری ((اینبال)) قوای آنها را در هر  
 شکست که جز اشخاصی که باسارت در آمدند کسی زنده از آن معرکه جان  
 بدر نبرد بعد از آن ۱۵ سال «اینبال» در آن کشور گذرانید و هر روز  
 فتح تازه بر فتوحات سابق خویش می افزود و دسته دسته قشون رم رامتلاشی  
 میساخت ولی معینا بواسطه فداکاری و جان فشانی بی نظیر ملت رم در راه استقلال  
 و آزادی نمیتوانست بر شهر رم مستولی شود و چون بواسطه تلفات چند ساله  
 عدده زیادی از قشونش کاسته بود از «کارتاژ» استمداد نمود «کارتاژها» نیز بلا تأمل  
 قشونی از اسپانی بفرماندهی برادرش «هز دروپال» بمساعدت او فرستادند  
 لیکن رومیها کنار رود «متورس» جلو او را گرفته لشکرش را شکست  
 داده و خودش را بقتل رسانیدند و سرش را بریده در اردوی برادرش  
 انداختند و «اینبال» را از مساعدتی که بی اندازه بدان محتاج بود محروم  
 ساختند ولی اینبال ایدا خود را باخته با قلبی سخت تر از یولاد بچنگ  
 مداومت داد و چون رومیها از شکستن «اینبال» ناامید گشتند همان نیرنگ  
 خود او را در بسته در همان جینی که او در داخله رم سرگرم  
 جنگ و فتوحات بود قشونی جرار و آزموده در زیر فرماندهی «شیپون»  
 که بعد او را به ((شیپون)) افریقائی نامیدند بر سر ((کارتاژ)) روانه نمودند  
 و در جینی که کارتاژها منتظر مرده فتح رم بودند ((شیپون)) بر آنها  
 حمله آورده سخت آنها را پریشان ساخت «کارتاژها» چون تاب مقاومت  
 در خود ندیدند ناچار «اینبال» را بمدد خواستند اینبال هم چون وطن و  
 مسقط الراس خویش را در خطر دید رم را گدارده بلا تأمل یاری هموطنان  
 خویش شتافت ولی در ایندفعه اقبال به او یاری نمود و در سال ۲۰۲ قبل  
 از میلاد در واقعه «زاما» طوری از قشون «شیپون» شکست خورد که  
 ناچار بقبول صلح و تسلیم شرایط رم شدند و در همان سال صلح بین  
 دولتین بدین شروط که «کارتاژ» از تمام مستعمره اسپانی و کلیه خزایر

دریائی خود صرف نظر نماید و کشتی های خود را نیز بدشمن سپرد  
سالیانه مبلغ خیلی سنگینی بعنوان باج بدولت رم پردازد و از همه سنگین  
تر و ظالمانه تر این بود که « کارتاژ » بهیچوجه بدون اجازه رم حق ندارد  
با دولت دیگری جنگ نماید

« انیبال » چون تا این پایه وطن و ممالک خود را زیون و بیچاره دید  
و فهمید که در آنجا کاری از او ساخته نیست از آنجا مهاجرت کرده  
پادشاه سوریه و مكدونیا را بضد رم برانگیخت و در صفوف آنها برای  
انتقام وطن عزیز خویش با دشمن دیرین مبارزه مینمود و چون در آنجا  
نیز پیشرفتی حاصل نکرده برای خلاصی از ننگ اسارت و بندگی مرگ را  
ترجیح داده و با يك جرعه زهر که تناول نمود در سال ۱۸۳ قبل از  
میلاد زندگانی پر از افتخار و شرافت خود را وداع نمود

### جنگ سوم

۶۲۱

تمام مقصود از مقاله و ذکر جنگهای سابق همین جنگ سوم بود  
که وطن پرستی و جان بازی در راه وطن بمعنی حقیقی نشان میدهد .  
و میفهماند که استقلال و آزادی در نظر اقوام شرافتمند تا چه اندازه  
قدر و قیمت دارد . این جنگ شاید از جنگهای پیش بزرگتر و هولناکتر  
نباشد ولی چون جنگهای سابق میان دول لشکر بوقوع میسوست و شجاعت  
هائی که « کارتاژ ها » در میدان جنگ نشان میدادند یا برای فتح و استعمار  
و تحصیل نامویا هم برای کسب غنیمت و غارت بود . ولی این دفعه جنگ  
میان يك قشون استعمار طلب و يك ملت از جان گذشته استقلال خواه  
و بی سلاح است که دشمن اسلحه و کشتی های او را گرفته با دست تهی  
از استقلال و حیات خویش مدافعه مینماید . و تن بذات و بندگی نداده  
برای مرگ حاضر میشود . و خلاصه این حادثه شکست انگیز از این  
قرار است :

یکی از اعیان رم « کارتو » نام سیاحتی به « کارتاژ » نمود . آبادی

این شهر مینو نشان و قصور عالیه و تمول سر شار سکنه آن طوری چشم او را خیره نمود و بحدی آتش رشک و حسد در نهاد او مشتعل گردانید که با دلی پر از خشم و کینه بوطن خویش مراجعت نمود و اعیان و اکابر را خبر کرده مجلس سنای « سناتو » رم منعقد گشته « کاتو » بر کرسی خطابه ایستاده نطق ذیل را ایراد نمود:

همکاران محترم من

خدایان بواسطه نظر لطف و عنایتی که بما داشته اند يك چنین سر زمین حاصل خیز پر نعمتی را بما عطا فرموده اند لذا بر ما لازم است که از این نعمت و مفاضیات کشور خویش استفاده نموده خود را يك ملت دریائی و تجاری کنیم و ممالکی را که با آنها تجارت مینمائیم باید در زیر سیطره و نفوذ خود در آوریم که بوسیله قشونی که در آن جا ساخلو میگیریم اموال خود را حمایت نمائیم . ما این فرمان خدایان را بجا آورده و شروع بتوسعه دائره تجارت و قوای جنگی خویش نمودیم . لیکن در ماوراء افق مملکت قوی و متمول و دریا نورد « کارتاژ » با يك اسطول مهیب و لشگری جرار وجود داشت که بزرگتر مانع پیشرفت خیالات ما بود . زیرا « کارتاژ » قبل از ما بفکر استعمار و توسعه نطق تجارت خویش افتاد چنان که کشتی های آن طول و عرض دریای متوسط را زیر پا کشید مستملکات آن از اسپانی و جبل طارق تا جزیره صقلیه امتداد یافت این دولت بزرگتر مانع ترقی ما و اجرای اوامر خدایان بشمار می آمد بنا بر این بر حسب حکم خدایان مجو چنین ملتی بر ما متبحتر و واجب بود . لذا ما بچنگ آنها کمر بستیم و بعد از آن که در این راه خسارتهای زیادی متحمل گردیدیم بر حسب ظاهر آنها را مغلوب و معدوم نمودیم . ولی چیزی که بی اندازه مرا بشویش انداخته و قلبم را پر از حقد و کینه این قوم نموده این است که امسال سیاحتی به آن کشور نمودم . ترقیات سریع و وحشت آور آنها برای العین مشاهده نمودم « کارتاژ » بحدی خرابیهای چنگ را

ترمیم کرده و باندازه مردم آن برفاهیت و خوشی زندگانی مینمایند و تجارت خود را دوباره طوری در دریای متوسط ترویج داده اند که گویا هیچ صدمه از جنک بانها نرسیده است

همکاران محترم! پر واضح است که اگر ما بخواهیم وطن خود را بزرگ و سعادت مند کنیم باید هر چیزی را که مانع از وصول باین مقصود بدانیم و خار راه ترقی خود تصور نمایم محو و نابود نماییم ما باید این دولت رقیب را اساساً از روی زمین برداریم باید «کارتاژ» محو و نابود شود

مجلس سنا پیش نهاد «کاتو» را تصویب نموده و اجرای اقتراح او را موکول باین کرد که يك بهانه مشروعی پیدا کند

اتفاقاً همان ایام حکومت «کارتاژ» یکی از پادشاهان «بربر» که پیوسته بخاك «کارتاژ» تاخت و تاز مینمود اعلان جنک داده بود. دولت رم این را بهانه قرار داده با قشونی جرار به «کارتاژ» حمله نمود، «کارتاژ» چون تاب مقاومت در خود ندیدند تمام شرایط سخت و ظالمانه رم را پذیرفته، کلیه اسلحه و کشتی های خود را بدشمن سپردند و سیصد نفر از اعیان زادگان شهر را بعنوان گرو تسلیم نمودند. لیکن رم که میخواست ریشه و تبار آنها را از زمین بر اندازد مایل نبود که قضیه اینطور خاتمه پیدا کند بلکه بهانه جوئی مینمود که خواهی نخواهی آنها را بجنک کشانیده کار آنها را بسازد و این خار را از جلو مطامع جهانگیری خویش بردارد لذا بعد از تصرف اسلحه و کشتی ها بدانها امر نمود که بادست خود شهر و خانه های خود را خراب کرده در جایی که ده میل دور از دریاست منزل بسازند. ملت غیور «کارتاژ» که تا آنکاه با کمال برد باری و ملامت شرایط رم را پذیرفت به درجه از این شرط بر آشت و بحدی کاسه سبرش لبریز گشت که با کمال صراحت و مردانگی شرط مزبور را رد کرده مرك با شرف را بر زندگانی با مذلت ترجیح داده در کوچه ها علناً شروع به بدگوئی از رم

مینمودند و همدیگر را بجنک و دفاع از وطن تحریض میکردند  
در آن اثناء یکی از بزرگان آنها در وسط هموطنان خود ایستاد  
و نطق ذیل را بیان نمود :

هموطنان عزیز . خدایان بواسطه وسایل واسبابی که برای ترقی  
و پیشرفت تجارت ما فراهم کردند و آنرا در انحاء و اکناف ممالک  
بیکانه انتشار دادند تا جائی که ما اولین دولت تجاری روی زمین شدیم  
رضایت و خوشنودی خود را نسبت بما ظاهر و آشکار نمودند ولی  
رما بواسطه دیده تنگی و کوتاه نظری و قساوتی که جبلی آنهاست توانستند  
پیشرفت و ترقی ما را ببینند و نعمتهائی را که خدایان بما ارزانی داشته‌اند  
مشاهده کنند . بلکه می‌خواهند ما را محو و نابود نمایند ، و ما چون  
بصلح طلبی عادت کرده بودیم و نمیخواستیم باعث خونریزی شویم و جنک  
را برای طرفین زیان آور میدانستیم شرایط سخت و کمر شکن آنها  
را گردن نهدیم و بحدی برد باری و تحمل را پیشه خود ساختیم که هیچ  
ملت شرافتمندی تا این پایه تسلیم شرایط دشمن نمیشود . ولی آن‌ها  
باین هم قانع نشده می‌خواهند ما وطن و مسکن دیرینه خود را ترك  
گفته با دست خویش شهر و مسکن خود را خراب نمائیم . حاشا و کلاه  
ما تا این درجه نسبت بوظیفه وطن پرستی تفریط روا نمیداریم و تا این  
پایه تن بذلت نمیدهیم بلکه در راه سر بلندی وطن جان گرامی و هر  
چیز گران بهائی را فدا میسازیم . ما از ورود بمیدان جنک و جان بازی در  
راه وطن هراس نداریم

۶۲۴

هموطنان . جنک . جنک . این را بگفت و از منبر فرود آمد  
در صورتی که حضار همه ساکت و بهت زده سر بزیر افکنده زمین را  
میگریستند و یک کلمه در جواب او اظهار نمودند . لیکن سکوت آنها  
نه از این لحاظ بود که بگفته‌های او توجه نداشتند ؛ و یا از فداکاری  
در راه وطن بیم و هراسی بقلب آنها راه یافته بود بلکه برای این بود  
که همه تپی دست و بی سلاح بودند زیرا چنان که گفتیم بر حسب صلح



جدید کلیه اسلحه خود را بدشمن سپرده بودند و جنگ ناگهانی مجال تهیه اسلحه با آنها نمیداد ، در همین اثناء که همه متحیر بودند که چه کنند ناگاه صدای هولناکی مقرون باواز شکستن چوب بکوش آنها رسید . ابتداء تصور کردند که شاید دشمن هجوم آورده ولی همیکه فهمیدند این صدا از جانب يك عده از هموطنان خود ایشان است اضطراب آنها ساکن گردید زیرا معلوم شد که مردم بفرماندهی و راهنمایی يك دلاور نامی شروع کرده اند که هر چه فلز در هر جا بیابند جمع اوری کرده از آنها اسلحه بسازند ، آنها نیز این فکر را پسندید ، به کلیسیا ها وارد شده تمام فلزاتی که در آنجا بود کردند همانطور هر چه میخ و فلز و ظروف فلزی در منازل یافتند جمع اوری کرده مشغول اسلحه سازی شدند و در مدتی که تیر و کمان و نیزه تهیه نمودند ، زناموی سرهای خود را تراشیده برای زه کمان تقدیر جنگجویان نمودند ،

پیر مرد ها و پیر زنهایی که هیچ کاری از آنها بر نیامد در معابد مشغول دعا بودند و بدرگاه خدایان تضرع مینمودند که شجاعت و قوت قنب و ثبات قدم بجنگجویان آنها کرامت کنند ، با این وضع دو اردو که فاصله بین آنها خیلی کم بود در برابر همدیگر صف ارائی نمودند فرماندهان قشون رم لشکر خود را بنوید فتح و فیروزی و کسب غنیمت به شجاعت و دلاوری تشویق مینمودند و بزرگان « کارتاز » هموطنان خود را به دفاع از وطن و ناموس و شرافت ملی بجان بازی و فداکاری دعوت میکردند . سخنوران فصیح و بلیغ طرفین معرکه را با نطق های حماسی و مهیج گرم می ساختند منجمله يك ناطق « کارتازی » رو به هموطنان بلا دیده خود کرده بعد از صحبت زیادی چنین گفت : دشمن را با شمشیر های بران خود پاره پاره مینمائیم این را بگفت و دست بقبضه شمشیر برده خواست دنباله سخن را پایان رساند که ناگاه « کارتاز های » شجاع وطن پرست که بخون دشمن تشنه و منتظر جزئی اشاره بودند مانند شیر شوزه نعره کنان بطرف دشمن حمله آورده فریاد

زدند « جنك شروع شد سینه دشمن را هدف تیر خود قرار دهید آنها را بکشید - متحدا بر آنها حمله نمائید » این را بگفت و دو لشکر بهم رسیدند و بتمام معنی جنك در گرفت چنان که پشتهای لش کشتگان زمین را پوشانید طرفین مردانه پا فشاری نمودند و داد جلادت دادند ولی ایندفعه باز تقدیر با «کارتاژ ها » همراهی ننموده و با انهمه شجاعت و فداکاری که در مدت سه سال جنك بروز دادند مغلوب دشمن پرزور واقع شدند لیکن با این حال دست از مجاهدت برنداشته تسلیم دشمن نگردیدند و بعد از آنکه دشمن وارد دروازه شهر گردید آنها در میان کوچه ها سنگر ساخته و از دشمن بی باک خویش دفاع مینمودند بعد از آنکه دشمن کوچه ها را نیز تصرف نمود « کارتاز ها » خانه های خود را سنگر نموده میجنگیدند ، اینجا کار بر رومیها بیشتر سخت شد زیرا مجبور بودند که هر خانه را جدا گانه فتح نمایند و همپطور هم کردند هر خانه را که تصرف مینمودند سکنه انرا از دم تیغ بیدریغ میکذرائیدند و اموال و نفایس انرا غارت مینمودند و بعد از آنکه تمام خانه ها را متصرف شدند ، شهر را آتش زده مدت ۱۷ شبانه روز آن شهر زیبای قشنگ که نمونه تمدن انروز بود باتش بیداد آنها می سوخت هیچکس از اهالی شهر جز انهایی را که باسارت بردند زنده جان بدر نبرد

ملت روم برای این فتح نمایان یعنی اعدام یکملت متمدن شهر ها را ائین بسته جشن ها بر پا نمود و اسرائی را که مغلولاً « با خود میبردند جزء غنایم بی شمار خود نمایش میدادند و بدان افتخار میکردند خلاصه از ملت « کارتاز » چنان که گفتیم جز انهایی را که به بردگی بردند یکنفس از معرکه زنده جان بدر نبرد زیرا یا از دم شمشیر دشمن گذشتند و یا برای فرار از ذلت بندگی خود را باتش انداخته سوختند بدرجه ان اوضاع حزن انگیز بود که فرمانده قشون رم نیز نتوانست از گریه خود داری کند